

رخداد

سرت در ۱۵ ثانیه

■ **شرق**: دو کفزن حرفه‌ای که در یکی از شعب موسسه مالی اعتباری مبلغ یک میلیون و ۴۵۰ هزار تومان سرقت کرده بودند در شعبه‌ای دیگر به دام افتادند. به گزارش خبرنگار مسا دو مرد جوان، پنج‌مهر به شعبه ستارخان موسسه مالی و اعتباری مولی‌الموحدين رفتند و درحالی که با زبان انگلیسی حرف می‌زدند خودشان را جهانگردان خارجی معرفی کردند. این دو نفر بعد از خرد کردن چک‌پول ۵۰ هزار تومانی خیلی سریع از شعبه خارج شدند. این دو روز بعد مجدداً به همان شعبه رفتند و به بهانه تفاوت چک‌پول آنها با بسته چک‌پول که در دست کارمند شعبه بود، بسته را برای دیدن چک‌ها حدود ۱۵ ثانیه در اختیار گرفتند و مقابل چشمان کارمند شعبه آنها را تماشا کردند و سپس تحویل دادند. این دو جهانگرد بعد از این کار خیلی سریع از شعبه خارج شدند. کارمند شعبه که به کار دو مرد جوان شک کرده بود با شمرند ترول‌ها متوجه شد تعداد ۲۹ فقره ۵۰ هزار تومانی کم شده است. با بازبینی تصاویر دوربین مداربسته شعبه ستارخان معلوم شد دو مرد جوان در همان زمان بسیار کوتاه و مقابل چشمان کارمند موسسه اقدام به کفزنی ترول‌ها و سرقت کردند. کارآگاهان با شکایت نماینده حقوقی این موسسه تحقیقات‌شان را شروع کردند. در ادامه در بخشنامه داخلی موسسه مالی اعتباری، سرت مجاز و هشدارهای لازم به همراه یک فیلم از این سرقت به تمامی شعب سراسر کشور ارسال شد. سرانجام روز ۱۱ آبان همان دو مرد جوان به شعبه رازی شهرداری موسسه مولی‌الموحدين رفتند و می‌خواستند با معرفی خود به عنوان جهانگرد خارجی به بهانه آشنایی بیشتر با چک‌پول‌های ایرانی، از کارمند شعبه درخواست کردند بسته‌ای از ترول‌ها را به آنها نشان بدهد. از آنجایی که این کارمند فیلم سرقت شعبه ستارخان را دیده بود پس از مشورت با رییس شعبه در اقلل کرد و با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفت. لظحاتی بعد مأموران کلاتری حرم حضرت عبدالعظیم(ع) در محل حاضر شدند و متهمان را به کلاتری انتقال دادند. با تشکیل پرونده مقدماتی برای این دو نفر که حسین و علی نام دارند، آنان اتهام خود را رد کردند اما برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفتند. در این مرحله مشخص شد این دو نفر در سرقت از شعبه ستارخان نقش داشتند. در تحقیقات بعدی فیلم دیگری از یکی از باجه‌های پستبانک در کرچ به دست کارآگاهان رسید که در این مورد نیز متهمان با همان شیوه اقدام به سرقت چک‌پول کرده بودند. سپس با انگشت‌نگاری از متهمان، سوابق آنها به دست آمد و فاش شد این دو قبلاً نیز با مراجعه به مراکز مالی و تجاری اقدام به سرقت کرده بودند. در حالی که تحقیقات از متهمان ادامه داشت آنها به افسر پرونده پیشنهاد مبلغ یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان رشوه دادند که این موضوع نیز صورت‌جلسه و بر آنها‌تمام آن دو افزوده شد.

سپس «حسین» و «علی» به بیش از ۱۰ فقره کفزنی در موسسات مالی و اعتباری و بانک‌های خصوصی و دولتی در سراسر کشور اعتراف کردند.

ادامه از صغله اول

ریشه‌های افزایش آمار پرونده‌های جرایم

۳- نبود راهکارهای فرهنگی برای حل اختلافات از مسیر و راه‌های غیرقضایی و دادگاهی و اهمیت‌ندادن به جایگاه ریش‌سفیدان، عقلا و معتمدان در رفع اختلافات جامعه در حالی‌که دلیل دیگری این موضوع نبود.
۴- نبود نهاد مردم و ناتوانی بسیار جزئی ریش‌سفیدی در شعب حل اختلاف وجود دارد اما این شوروراها نیز روند قضایی و دادگاهی دارند و حال آنکه بسیاری از مسایل در چارچوب خانواده، محله و ریش‌سفیدی قابل حل هستند و افرادی می‌توانند به عنوان داور غیررسمی قدم پیش بگذارند تا کار به دادگاه کشیده نشود و آمار جرایم بالا نرود.

۴- منظرهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و بیکاری، در افزایش جرایم نقش دارند.
افزایش مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و ناکامی‌های گسترده مردم و ناتوانی آنها در تامین نیازها و افزایش بیکاری، بی‌توجهی به این معضل و تعریف غلط از اشتغال باعث حل شدن مشکل نمی‌شود بلکه فقط صورت‌سماله را پاک می‌کند و مشکلات ناپدید گرفته می‌شود.
گسترش فقر و تورم و فشار روحی و روانی ناشی از ناتوانی اقتصادی، تراکم جمعیت، فساد اداری و بی‌هنجاری و تعارض هنجاری جامعه نیز زمینه گسترش مسایل اجتماعی را فراهم می‌کند و پیامد آن شیوع آسیب اجتماعی و در نهایت ارتکاب جرم توسط افراد است.
پدیده‌های مثل سرقت، نکدی‌گری، کلاهبرداری، طلاق و اعتیاد رابطه مستقیمی با نابسامانی‌های اقتصادی دارند که این نابسامانی‌ها موجب افزایش چنین رخدادهایی می‌شود.
با وجود این رخدادها افزایش جرم اتفاقی پدیده‌ی است که نیاز به تحلیل و تفسیر ندارد. در نهایت می‌توان حل اختلاف در خارج از دادگاه را یکی از الگوهای مناسب برای ایجاد نهضت و جنبش مردمی برای حل مسایل اجتماعی بینظینی دانست، باید توجه داشت حل مسایل اجتماعی موضوعی بیرونی و ساختگی نیست و وقتی گرایش عمومی به نهضتی برای حل مشکلات وجود دارد باید فرصت را غنیمت شمرد و از آن برای ارتقای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بهره برد. در این بین می‌توان به جنبش گروهی حمایت از کودکان کار اشاره کرد که به تازگی شاهد آن بودیم و عدای خودشان در خیابانی حاضر شدند و مانند کودکان کار شروع به پاک کردن شیشه خودروها کردند، بنابراین راحل هر معضلی را باید از درون جامعه یافت.

■**جرم‌شناس و استاد دانشگاه**

تکرار جنایت میدان کاج در خیابان شریعتی

شرق: جنایت میدان کاج سعادت‌آباد این‌بار در خیابان شریعتی تهران تکرار شد و مردی به خاطر راقبت عشقی با مردی دیگر او را با ضربات چاقو به قتل رساند. در جنایت میدان کاج که آبان سال گذشته رخداد مردی به نام یعقوب وقتی فهمید زن مورد علاقه‌اش با مردی دیگر به نام محمدرضا نیز رابطه دارد با وی قرار گذاشت و او را در محل حادثه با ضربات چاقو کشت. یعقوب بعد از دستگیری و محاکمه به قصاص در ملاعام محکوم و حکم وی زمستان همان سال اجرا شد. این‌بار نیز مردی به نام آیدین با همین انگیزه و همین شیوه دست خود را به خون‌آلوده کرد اما این پرونده پائلی متفاوت داشت. چراکه متهم قبل از دستگیری به زندگی خودش پایان داد. شامگاه پنجشنبه هفته گذشته و کارآگاهان همچنان به تحقیقات ادامه می‌دادند که پسر

جوانی نزد آنها رفت و خبر داد از دوستان محسن است و قاتل را می‌شناسد. این جوان که خودش نیز زخمی شده بود به کارآگاهان گفت: «محسن با زنی رابطه داشت و چند روز قبل فهمید آن زن با پسری به نام آیدین نیز دوست است. آنها به این دلیل که درباره این موضوع با هم صحبت کنند قرار ملاقات گذاشتند، من هم همراه محسن رفتم در آنجا آیدین را دیدیم و بین او و دوستم مشاجره‌ای درگرفت. با‌بالاگرفتن درگیری آیدین با چاقو من به حمله کرد و ضربه‌ای زد در این هنگام محسن، آیدین را گرفت و تا من فرار کنم من به سرعت آن‌جا دویدم. اما ساعتی بعد وقتی موضوع را پیگیری کردم فهمیدم دوستم کشته شده است.»کارآگاهان بعد از بدست‌آوردن این سرخ

دسیسه زن جوان برای قتل شوهر

و اکرم آن را مخفی کرده بود. به ایرج گفتیم که دستگاه گنج‌یابش را در یک باغ دیدهایم و می‌دانیم شرکایش آن دستگاه را برداشته‌اند. به این بهانه او را باغ کشادیم و کشیم. در ادامه خارچم، متهم ردیف دوم در جایگاه حاضر شد و گفت: من هیچ‌کاری نکردم و فقط در محل شاهد بودم. با اکرم در مغازه سعید آشنا شدم و هیچ ارتباطی با این زن نداشتم. وقتی موضوع قتل شوهرش را مطرح و سعید در مورد آن با من صحبت کرد چندبار می‌خواستم به شوهر

اکرم این موضوع را بیگویم اما پشیمان شدم چون می‌ترسیدم ایرج زنش را بکشد. روز حادثه هم سعید من را وادار کرد که با آنها بروم و محل قتل را هم خود سعید مشخص کرده‌بود. در ادامه وکلای متهمان از موکلان خود دفاع کردند. مومن‌آبادی، وکیل سعید در دفاع از موکل خود گفت: خارچم اعترافات متناقضی

انهدام باند سرقت خودرو

کردند. وی ادامه داد: متهمان در تحقیقات و بازجویی‌های اولیه منکر هرگونه جرمی شدند اما با ارایه شواهد و قرآن ضمن معرفی نفر اصلی سرقت‌ها، از راز سرقت خودروهای فاقد سیستم هشداردهنده و ایمنی پرده برداشتند و اکرم چند قرص خواب‌آور به ایرج بدهد و بعد او را به باغ ببریم و بکشیم. متهم ادامه داد: ایرج یک دستگاه گنج‌یاب خریده

کشاورز: لباس کانون وکلارا «پرو» نمی‌کنند

مسایل منفی در قانونی که مربوط به خود وکلاست، نیست.
■ **چقدر وکلا و کانون‌های وکلارای رفغ موانع یا قوهقضاییه تعامل داشته‌اند و در مقابل قوهقضاییه درباره ایسن موانع یا کانون‌های وکلا شورتی داشته‌اند؟**

در گذشته همان زمانی که متن سال ۱۳۸۵ تنظیم شد، چنین ارتباط و تعاملی وجود داشت. جناب آقای آیت‌الله ام‌لی‌الرحمانی هم در ملاقاتی که شاید هفت، هشت روز پیش از اینکه به‌طور رسمی مشغول کار بشوند با تعدادی از روسای کانون‌ها که بنده هم توفیق داشتم که در این جلسه حاضر باشم گذاشتند فرمودند که سعی خواهد شد که ملاقات‌های منظمی بین کانون‌های وکلا و مدیریت‌های کانون وکلا با حضرت ایشان باشد که در این جلسات مسایل مطرح و احیاناً مشکلات حل شود. اما تا آنجا که بنده می‌تولم عرض کنه، این ملاقات در سطح روسای کانون‌های وکلا ۲۸گانه وکلا با حضرت ایشان تکرار نشد. اما گویا کانون وکلای مرکز با ایشان یک یا دو ملاقاتی داشتند و مطالبی هم مطرح شده است.

■ **این ملاقات چقدر کارساز بوده‌است؟**

در سطح کلان یعنی از نظر سوابط وکالت و قانون و وکالت بنده تصور نمی‌کنم کارساز بوده باشد. به دلیل اینکه همان‌طور که عرض کردیم حتی متن تدوین شده در قوهقضاییه تا به امروز به دست کانون مرکز که چنین ملاقاتی (انجام داده نرسیده بود بنابراین تصور نمی‌کنم این قضیه قایده عملی و جدی داشته باشد. در زمینه‌های فرعی نظیر تقشیش با عدم تقشیش کیفی و وسایل وکلا در توقع ورود به مجتمع‌ها و در سطح مدیریت‌های میانی قوهقضاییه بعضی از تباطات‌ها هم با کانون وکلای مرکز وجود داشته که بعضاً شاید نتایج‌یافته قرار گرفتن در برابرین باشد. در این حدود تعاملی وجود داشته ولی تعاملات بهتر خیر و البته من گمان می‌کنم در مجموع با قوفیقمنته ارتباطات نزدیکتر و بهتر بوده که امیدوارم در تدوین قوانین مربوط به وکالت و همین‌طور سایر قوانین که به نوعی با قضایی و حقوقی دارد، این ارتباطات بتواند مؤثر واقع شود. البته اگرچه یک رابطه مثبت با قوهقضاییه یا در سطح پیشگیری از جرم قوهقضاییه برقرار شد چون می‌خواهند از نهاد داری یا دخالت کانون‌های وکلا برای کم کردن بار دادگاه‌ها استفاده شود، یکی از زیرمجموعه‌های این ستاد یعنی مدیرکل محترم‌شان با تجدیده تماس و ملاقاتی داشتند و بنده این مطلب را به تمام کانون‌ها اعلام کردم و با توجه به اینکه روسای دادگستری‌های استان هر یک با معنایی دارند که مسؤل پیگیری مساله پیشگیری از جرم است.به روسای کانون‌ها توصیه شده‌است که با این بزر گوران برای برپایی نهاد داری در استان‌های مختلف با دخالت و کمک کانون‌های وکلا هماهنگی کنند. برای اینکه شاید مقداری از پرونده‌های جلفی به دادگستری‌ها به نهادهای داری منتقل و بار دادگستری‌ها کمتر شود.

■ **اخیرا انتقاداتی را به فعال شدن مجدد جرم مشکاروان قوهقضاییه یا همان ماده معروف ۱۸۷ داشتید. در این راستا اقداماتی را انجام داده‌اید؟**

ما در فعالیتم در چند مشاوران بخصوص از نظر جذب افراد جدید بعد از پایان مدت اجرای قانون برنامه سوم توسعه این مساله بسیار مهم گفتنی است که این نحوه فعالیت و این غیرقانونی بودن اقدامات اینها یکی از مسایلی است که در گزارش تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از قوهقضاییه در چند ساله آمده بود و یکی از اهمیت مسایل بود که خیلی هم روی آن تفصیل داده بودند و وزیر دادگستری ما هم بودند و اینجاست است که با وجود این مورد باز هم در این اتفاق تکرار می‌شود. به‌خصوص که بند بودجه مربوط به اجرای این ماده هم اگر اشتباه نکنم در مجلس ششم حذف شد و معلوم نیست که اصولاً بودجه

حوادث

حادثه

طلبکار، جنازه بدهکار را به آتش کشید

■ **شرق**: مردی که به خاطر طلب دو میلیون تومانی‌اش دست به قتل زده و جنازه مقتول را به آتش کشیده بود، در بازجویی‌های پلیسی به جرمش اعتراف کرد.

به گزارش خبرنگار مگا، مأموران کلاتری شهرداری ساعت ۲۲:۳۰ پنجمین روز ماه جاسری از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی در جریان آتش گرفتن یک خودرو در خیابان فایابان اسلام – بن‌بست بهسار قرار گرفتند و به آنجا رفتند. پس از آنکه آتش‌نشنان حریق را مهار کردند، مأموران با بقایای به جای مانده از جسد متعلق به یک مرد در صندلی عقب خودرو روپهرو شدند و موضوع را به بازپرس جنایی و کارآگاهان ویژه مبارزه با قتل اطلاع دادند. کارآگاهان در گام اول با بررسی ارکان اصلی خودرو موفق شدند هویت مالک ۴۰ ساله آن به نام «غفار» را شناسایی کنند. مأموران وقتی به‌خانه این مرد رفتند، اعضای خانواده‌اش گفتند او ساعت ۱۳ روز پنجم آبان به قصد دیدن فردی به نام غلامرضا از منزل خارج شده و تاکنون به منزل بازنگشته است. به همین دلیل خانواده غفار به پزشکی قانونی دعوت شدند و بعد از دیدن جنازه، این مرد را شناسایی کردند.

کارآگاهان در ادامه تحقیقات، غلامرضا را بازداشت کردند. او با رد اتهام قتل گفت: «من در منطقه کیناشهر کارگاه تولیدی روکش صندلی ماشین دارم. غفار ساعت ۱۴:۱۵ روز پنجم آبان به کارگاهم آمد و پس از پرداخت مبلغ ۲۰۰هزار تومان وجه نقد و تحویل دادن سه فقره چک در ازای هزینه خرید روکش صندلی در ساعت ۱۵:۱۵ از کارگاه خارج شد و دیگر از او هیچ اطلاعی ندارم.»



کارآگاهان هنگام بازجویی از غلامرضا فهمیدند دست راست او سوخته است، به همین دلیل به این مرد بیش از قبل مشکوک شدند و با توجه به اظهاراتش و نقیض غلامرضا درخصوص علت سوختگی دستش به بازجویی از وی ادامه دادند.

در شرایطی که غلامرضا همچنان بر بی‌گناهی خود اصرار داشت، کارآگاهان موفق به شناسایی شخصی شدند که متهم در در تاریکی شب در حال انتقال یک کیسه به صندلی عقب خودرو برآید.قرمز رنگ متعلق به مقتول مشاهده کرده‌بود. با شناسایی این شخص، غلامرضا که دیگر چاره‌ای جز اعتراف نداشت، پس از گذشت ۱۷ روز از جنایت به ناچار لب به اعتراف گشود و در اظهارات خود به ارتکاب قتل و به آتش کشیدن جسد اعتراف کرد.

متهم به کارآگاهان گفت: «مقتول حدود یک ماه پیش به واسطه آشنایی قبلی با من لوازم داخل خودرو به ارزش تقریبی دو میلیون و ۳۰۰ هزار تومان خرید اما پولی پرداخت نکرده بود و برای پرداخت پول هر روز بهانه می‌آورد تا اینکه ساعت ۱۵:۱۵ روز حادثه به کارگاه تولیدی من مراجعه کرد و گفت آن مبلغ و ۶۰۰ هزار تومان دیگری را که به من بدهکار است، بعدازظهر همان روز می‌پردازد. ساعت ۱۸:۳۰ وقتی مقتول به کارگاه بازگشت از او طلبم را خواستم که ناگهان شروع به نلرزا گفتن کرد و پس از آن بود که بین ما درگیری ایجاد شد و من در یک لحظه، ضربه‌ای را به سینه او وارد کردم که باعث شد او کنترل خودش را از دست بدهد و از پشت سر با میز چرخ خیاطی داخل کارگاه به برخورد کرد و سپس روی زمین افتاد در آن لحظه بسیار ترسیده بودم بی‌اختیار از داخل کارگاه خارج شدم و پس از گذشت یک ساعت و به امید اینکه به هوش خواهد آمد مجدداً به کارگاه بازگشتم اما او همچنان روی زمین افتاده بود و هیچ حرکتی نمی‌کرد».

متهم در ادامه اعترافات خود به کارآگاهان گفت: «بسیار ترسیده بودم، تصمیم گرفتم به هر شکل ممکن خودم را از دست جنازه غفار نجات بدهم، برای همین زمانی‌که هوا بارانی بود جنازه را به داخل برآید غفار بر دم و در یکی از کوچک‌های خاکی و تاریک در حوالی خیابان فدیابان اسلام ماشین را به همراه جنازه غفار که در صندلی عقب ماشین بود به آتش کشیدم و به سرعت از محل دور شدم اما به علت پاشیده شدن بنزین از ناحیه منج و انگشتان دست راست دچار سوختگی شدم. امیدوار بودم غفار درخصوص قرار ملاقاتش با من به کسی چیزی نگفته باشد اما زمانی‌که دستگیر شدم فهمیدم مقتول قبل از آمدن به کارگاه من، موضوع را با برادرش در میان گذاشته بود».

بنابر این گزارش متهم در حال حاضر با صدور قرار بازداشت در اختیار کارآگاهان اداره ۱۰ پلیس آگاهی قرار دارد تا تحقیقات از وی تکمیل شود.

^[1] شرق: مردی که به خاطر طلب دو میلیون

^[2] شرق: مردی که به خاطر طلب دو میلیون